

اول شب بود. اوکتای محمد تو جایش جنبید. هوا سنگین بود و خوابش نمی آمد. نفس عمیقی کشید. پهلوی به پهلوی شد و شروع کرد به خاراندن جای زخم وسط سینه اش که می سوخت.

بلند شد. تنگ پلاستیکی را از بالای سرش برداشت و سر کشید. از دور، آن طرف درختها، صدای دریا می آمد. شمد را عقب زد. ناخنهایش را توی گوشت سینه اش فرو برد و با غیظ خاراند.

می دانست این درد فقط به خاطر زمین خوردنهای پشت سر هم از اسب است و حالا که روزه روز هم بدتر می شد. آخر حیوان لامصب رحم نمی کرد و هنوز روی پشتش نهاده، آتشی می شد، به هوا می پرید، سرش را به اطراف می چرخاند. هجوم می آورد و او را که جلو پریده بود، پرت می کرد و جمعیت را که پشت در پشت ایستاده بودند، پس می زد و به طرف دریا می تاخت.

و او می ماند و چشمهای جمعیت که گرداگردش حلقه می بست و جنبیدن دهانهایشان: «دست بردار اوکتای محمد! آخرش سر این حیوان خودت رو ناقص می کنی.»

- پسر! نکنه فکر کردی جون سگ داری! بابات یادت رفته؟

همه می آمدند به جز هیبت قلی که گاه گاهی سروکله اش پیدا می شد و با صورت درهم کشیده و عنق، یک دم می ایستاد و نفسی عمیق می کشید. و سرش را عقب می برد و از گوشه چشم نگاهی می انداخت و دهانش مثل زخمی کهنه زیر آن سیل آویخته به پوزخندی سرباز می کرد: «بدبخت مادرمرده. هر روز باید یه جوری خودشو انگشت نمای خلایق بکنه.»

و همین کافی بود تا پنج پیچ مردم دوباره شروع شود: «خدا هیچ کس رو مبتلای عاشقی نکنه که بد دردی.»

اوکتای محمد می گفت: «خوب گفتین، آره بد دردی. ولی خیال نکنین، این دیگه واسه من مٹ یه زخم کهنه می مونه که هر وقت نگام بش می افته، می فهمم که بد دردی. باور نمی کنین؟ نگاه کنین.» آن وقت دکمه لباسش را باز می کرد و پیراهن را عقب می زد تا زخم روی سینه اش مثل خاری در چشمهای هیبت که می گذشت، بنشیند و داغش را تازه کند.

جای زخم به اندازه یک کف دست بود و مردم که بارها و بارها آن را دیده بودند، حتی می توانستند با چشم بسته به خاطر بیاورند که جای داغ شکل طوق گردن کبوتر را دارد.

و آن وقت اوکتای فریاد می زد: «بی خود هر روز معرکه نگیرین و دلتونو صابون نزنین. حلوملوا خبری نیست.»

و جمعیت پراکنده می شد.

یکسالی می شد که برنامه اش همین بود. تا آنجا که یادش می آمد دو بار کف بالا آورده بود. سه بار ننه مخدوم آمده بود بالا سرش و چند نوع علف و جوشانده به خوردش داده بود. چهار بار جلو دکان دعانویس درازش کرده بودند و دوباری هم برده بودند مریضخانه شهر. و حرف او شده بود نقل و نبات در و همسایه، و سیل دعا و چشم زخم بود که هر کس با هیبت قلی خورده برده ای داشت برایش می فرستاد و او همه را رد می کرد. می خندید و می گفت: «بفرستین برای اون بیچاره غریب افتاده. منو که می بینین، اولندش بادمجون بم آفت نداره. دوندش این دعا بهتر از همه اینها...»

و پیراهنش را عقب می زد تا زخم وسط سینه اش را که داده بود دورتادورش را خالکوبی کرده بودند، نشان بدهد. و باز می خندید و ادامه می داد: «سومندش من یه دفعه دلدونای این مارو کشیدم. دیگه نمی تونه زهرشو به دل کسی بریزه.»

و منظورش از یک دفعه، شب عروسی پسر هیبت بود. بیچاره هیبت نمی دانست مار زخمی خطرناکتر است. می دید که اوکتای می آید و می رود، می گوید و می خندد، کارها را راه می اندازد، تو دسته با جوانها رقص شمشیر می کند، انگار نه انگار که روزی دختر هیبت قلی نشان کرده او بوده و بعد هیبت زده زیر قولش و دختر را داده به یک شهری تا با خودش ببرد.

همه فکر می کردند اوکتای محمد به سادگی فراموشش شده و چشمش پی دختر دیگری است، تا آن شب.

هیبت هم که از وقتی دخترش رفته بود پی بختش، خودش مانده بود و این پسر که چشم و چراغش بود. و همه را دعوت کرده بود و حتی اوکتای محمد را هم.

و اوکتای بهترین لباسش را پوشیده بود و ساز پدرش را هم، که پدر بعد از افتادن از اسب دیگر به آن دست نزد، همراه آورده بود. و شده بود ساقدوش داماد و همه کاره مجلس.

مردم تعجب کرده بودند. نمی دانستند اوکتای محمد هم می تواند ساز بزند و آواز بخواند. ولی به احترام پدرش از او خواسته بودند با عاشیقها بخواند اما اوکتای نخوانده بود. گذاشته بود عاشیقها بروند و عروسی خوب گرم شود. آن وقت قبل از اینکه داماد عروس را به حجله ببرد، ساز را دست گرفته بود و آمده بود وسط حیاط و پشت اتاقی که عروس میان جمع زنها نشسته بود، و شروع کرده بود به نواختن. همه بهتشان زده بود. انگار پدر اوکتای، عاشیق قربان یک بار

داغ

نیلوفر شیدمهر

دیگر در وی زنده شده بود. نفس هیچ کس در نمی‌آمد. حتی خنده و سروصدای زنها هم خاموش شده بود. آن وقت زده بود زیر آواز. یکی از آوازه‌های مختمقلی که پدرش فقط برای دل خودش می‌خواند. صدایش توی حیاط پر می‌کشید و آن قدر سوز داشت که حتی دل سنگ را هم نرم می‌کرد. و بعد آن قدر خوانده بود و خوانده بود تا همه زده بودند زیر گریه و از خودبیخود شده بودند.

عروسی یکدفعه شده بود عزا. هیبت قلبی بهتش زده بود و پسرش به خاطر خواهرش که چندی قبل خبر مرگش را آورده بودند، از ته دل فریاد می‌کشید.

عروس موقع بیرون آمدن از اتاق، روی پله‌ها غش کرده بود و از آن میان، تنها مادر داماد در حالی که گریه می‌کرد و صورتش را می‌خراشید، به پای او افتاده بود و به روح پدرش قسمش داده بود که بس کند. برای خاطر دختر که دوستش داشته، به خاطر کفن سفیدش و به خاطر دل پر خون مادرش که تنها همین یک پسر را دارد، بس کند. و آن وقت اوکتای محمد سیخ داغ را برداشته بود و چسبانده بود به سینه‌اش و گفته بود فقط به خاطر دختر که دوستش داشته بس می‌کند.

و مردم گفته بودند جنی شده. و حالا هم دوباره می‌گفتند: «اوکتای محمد این طوری. هر چند وقت یه بار جنی می‌شه. و گرنه خبره کار تربیت اسبه. رو دستش تا حالا نیومده. از وقتی این حیوون رو پیدا کرده، زیور رو شده. انگار چیزی به خوردش داده باشند، فوت و فن کار یادش رفته.»

و همین حرفها بود که وقتی از دهن ننه‌اش می‌شنید، آتش به جانش می‌افتاد و دلش می‌خواست چشمهای وحشی اسب را رام کند.

دریا می‌گریه. درست مثل مادبان وقتی که دور خودش می‌چرخید، پا به زمین می‌زد و گرد و خاک هوا می‌کرد.

باز تنگ را به دهان برد و سر کشید. گر گرفته بود. بلند شد و از نردبان پایین آمد. ننه‌اش تو ایوان خوابیده بود و سرش را تو بالش فرو برده بود. از کنارش که می‌گذشت، سرش را از بالش بلند کرد و آن نیمه صورتش را که سالک برده بود، رو به او گرفت: «باز نصفه شبی راه افتادی. آخر من هم مثل بابات دق می‌آرم. تا منو نکشتی کار رو تموم کن.»

اوکتای گفت: «پیرزن! بگیر بخواب. نمی‌خواد آخر عمری واسه خودت معصیت بخری.»



و از کنار مطبخ گذشت و رفت طرف در حیاط. خرخر پیرزن بلند شده بود. پشت در پا سست کرد. آن چیزی که سایه‌اش رو دیوار مطبخ قد کشیده بود، وسوسه‌اش می‌کرد. برگشت. برش داشت گذاشت تو جیب شلوارش و کلون در را کشید.

توی کوچه کمی این پا و آن پا کرد. خواست برگردد تو حیاط و آن چیزی را که توی جیبش سنگینی می‌کرد، بگذارد سر جایش که صدای شیهه‌ی مادیان بلند شد. لرزید و سینه‌اش را چنگ زد و برگشت طرف صدا.

در طویله را باز کرد. دوتا چشم درشت از تو تاریکی خیره‌اش شدند. دلش غنچ می‌زد. پاهایش سست شد و چهارچوب در را چسبید.

خواست برود بیرون که دوباره اسب شیهه کشید. درست مثل صدای دریا که از دورها می‌آمد. بعد مادیان دور خودش چرخید و نسیم خنکی روی صورت اوکتای محمد پخش شد و دوباره نگاهش افتاد به آن دو تا چشم درشت. دستش را حلقه کرد دور گردن مادیان و سرش را چسباند به صورتش. نفس داغ اسب می‌خورد پشت گوشش و یالش لغزیده بود روی گردنش و غلغلکش می‌داد.

توی سرش و پشت گوشهایش داغ شد. دستش را دور تن اسب حلقه کرد. رام‌رام بود. طوری که باور نمی‌کرد این همان اسبی باشد که هر خروس‌خوان از آخور بیرون می‌زند و طرف دریا یا علفزار یله می‌گردد. و همین اسب که روزها زمینش می‌زد، شبها رام‌رام بود. شبها که همه خواب بودند.

تا اینکه یک شب بدون اینکه دیگران را از رام‌بودن مادیان خبر کند، مش‌قلی دوره‌گرد را کشانده بود تا بیاید و او را سوار بر مادیان ببیند. فقط کافی بود او ببیند تا خبر همه جا پخش شود. شک نداشت که مش‌قلی همان‌طور که دوره می‌گردد و جنس می‌فروشد، خبر را هم پخش می‌کند و حرفش برای مردم حجت است.

مش‌قلی را وادار کرده بود گالشهایش را درآورد و بعد از در پشتی برده بودش تو و پشت علفه‌ها پنهانش کرده بود. گفته بود: «حالا خوب چشمهاتو واکن و ببین اوکتای محمد چیکار می‌کنه!»

و او هم به تأیید سر جنبانده بود: «من بابام، چشم حتی تو خوابم بازه و تو هم بگی ونگی همه می‌دونن که رو دست اوکتای محمد نیومده، هی اوکتای‌خان! اوکتای‌محمد! بازم دارم بهت می‌گم، به خاطر ننه‌ات بیا و دست از این اسب بکش و بیشتر خودت رو خوار نکن. تو خودت به خودت بد می‌کنی.» و اوکتای با تلخی خندیده بود: «من خوار عشق شده‌ام مش‌قلی! خوار عشق.»

و بعد مش‌قلی را همان‌جا گذاشته بود و مثل هر شب رفته بود

سراغ مادیان. اسب این بار هم آرام بود. اوکتای‌محمد یالش را نوازش کرد. همه چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه مش‌قلی شروع کرد به خاراندن سر طاسش و نچ‌نچ کردن. و همان موقع اسب گردن کشید و گوش تیز کرد و یکدفعه چنان شیهه‌ای سر داد که مش‌قلی دوید طرف در و از ترسش میان راه خورد زمین و بسته‌های علوفه بود که از همه طرف رویش می‌ریخت.

حیوان بدجوری رم کرده بود. ولی مش‌قلی که فرار کرد، آرام شد. اوکتای‌محمد از مادیان جدا شد و آمد بیرون و از پای درختها یک بغل چوب جمع کرد و ریخت جلو در طویله.

مادیان زیر درختها ایستاده بود. یال و سمش رنگ نقره‌ی ماه بود و خودش کهربایی. اوکتای با جستی پرید و گرده‌اش را چسبید.

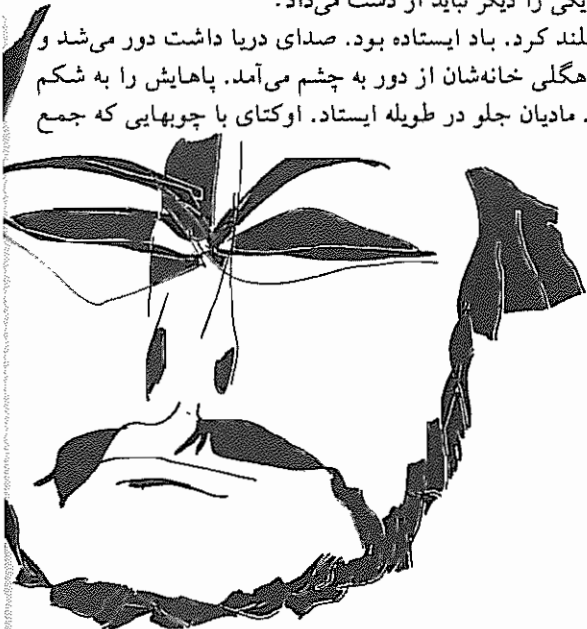
مادیان اول یورتمه می‌رفت و بعد تند می‌کرد و باز آهسته. اوکتای دهانه‌اش را گرداند و کج کرد طرف دریا. مادیان تا لب آب می‌رفت و روی دو پایش بلند می‌شد و شیهه می‌کشید. درست مثل اولین باری که اوکتای صدای شیهه‌اش را شنیده بود.

یادش می‌آمد بعد از اینکه توی آن عروسی سیخ داغ را چسباند به سینه‌اش، بیرون زد و رفت طرف دریا. باران نم‌نم می‌بارید چند ساعتی از غروب رفته بود. دریا در سیاهی نشسته بود و چشم، چشم را نمی‌دید. چشمهایش را بست و زد به آب و باران روی صورتش ضرب گرفته بود. طنین دو تار و صدای پدرش در ذهنش تکرار می‌شد. با چشمهای بسته جلو رفت تا اینکه باران به یکباره ایستاد. اوکتای‌محمد چشم باز کرد. هنوز کاکلش از آب بیرون بود. قدم بعد را برداشت. زیر پایش گود بود و پای دیگرش هنوز به کپه‌ی خاک کف دریا چسبیده بود. می‌خواست قدم بعدی را بردارد که برق زد و او برای اولین بار صدای شیهه‌ی اسب را شنید. طنین رعد را داشت و بعد موجی به قامت یک اسب پشش زد. آنجا بود، در کناره‌ی نمناک ساحل، که چون چشم باز کرد، برای اولین بار مادیان را دید که بر فراز سرش ایستاده، سم به زمین می‌مالد و شیهه می‌کشد.

اسب داشت یورتمه می‌رفت. نسیم خنکی از طرف دریا می‌وزید. مورمورش شد. سرش را روی گردن کشیده و یالهای مادیان خواباند و بخار داغی را که از تن اسب بلند می‌شد، بو کشید.

دختر و اسب هر دو از یک جنس بودند. هر دو مثل لاله‌های زرد توی دشتی از لاله‌های قرمز کمیاب بودند. اگر دختر را از دست داده بود، این یکی را دیگر نباید از دست می‌داد.

سر بلند کرد. باد ایستاده بود. صدای دریا داشت دور می‌شد و سقف کاهگلی خانه‌شان از دور به چشم می‌آمد. پاهایش را به شکم اسب زد. مادیان جلو در طویله ایستاد. اوکتای با چوبهایی که جمع



کرده بود، پایین پرید.

مادیان را آزاد گذاشت تا بگردد و عرق تنش خشک شود. و خودش برگشت طرف طویله و کنار چوبهایی که جمع کرده بود، نشست. پوشالها را روی چوبها ریخت. کبریت کشید و اول پوشالها را گیراند و منتظر شد تا چوبها گُر بگیرند.

سوت کشید. مادیان برگشت طرف صدا و با سوت دوم کنارش زانو به زمین زد. یالهای اسب را به بازی گرفت. وقتی می‌رفت، همه ترسش از این بود که دیگر برنگردد، مثل دختر که هیچ‌وقت برنگشته بود.

سرش را بالا گرفت. ماه توی آسمان نبود. سینه‌اش را از هوا پر کرد. داشت می‌لرزید. با یک دست چنگ انداخت به قفسه سینه‌اش و با دست دیگر میله آهنی را از جیبش بیرون کشید و میان آتش فرو برد. مادیان تنها عیبش این بود که بندی نبود و دلش را به بازی گرفته بود. یک بار رکاب می‌داد و یک بار لگد می‌پراند. مال او بود و مال او نبود. چاره‌ای نداشت. باید کار را تمام می‌کرد.

نگاهش را از آتش که گُر گرفته بود و زیانه می‌کشید، گرفت. مادیان گردن راست کرده بود و نفس داغش می‌خورد پشت گردن او کتای محمد.

و حالا باز این چیزها در ذهنش چرخ می‌خورد و او را می‌آزرد. چشمهایش را بست و میله داغ را بالا گرفت. باید مال خودش می‌شد. اگر به دستش نمی‌آورد، مثل دختر از چنگش می‌گریخت. خودش گفته بود اگر این یکی را رام نکند، مرد نیست.

نفسش داشت بند می‌آمد. لحظه‌ای درنگ نکرد. جای داغ روی سینه‌اش را چنگ زد و میله را بر پشت مادیان چسباند.

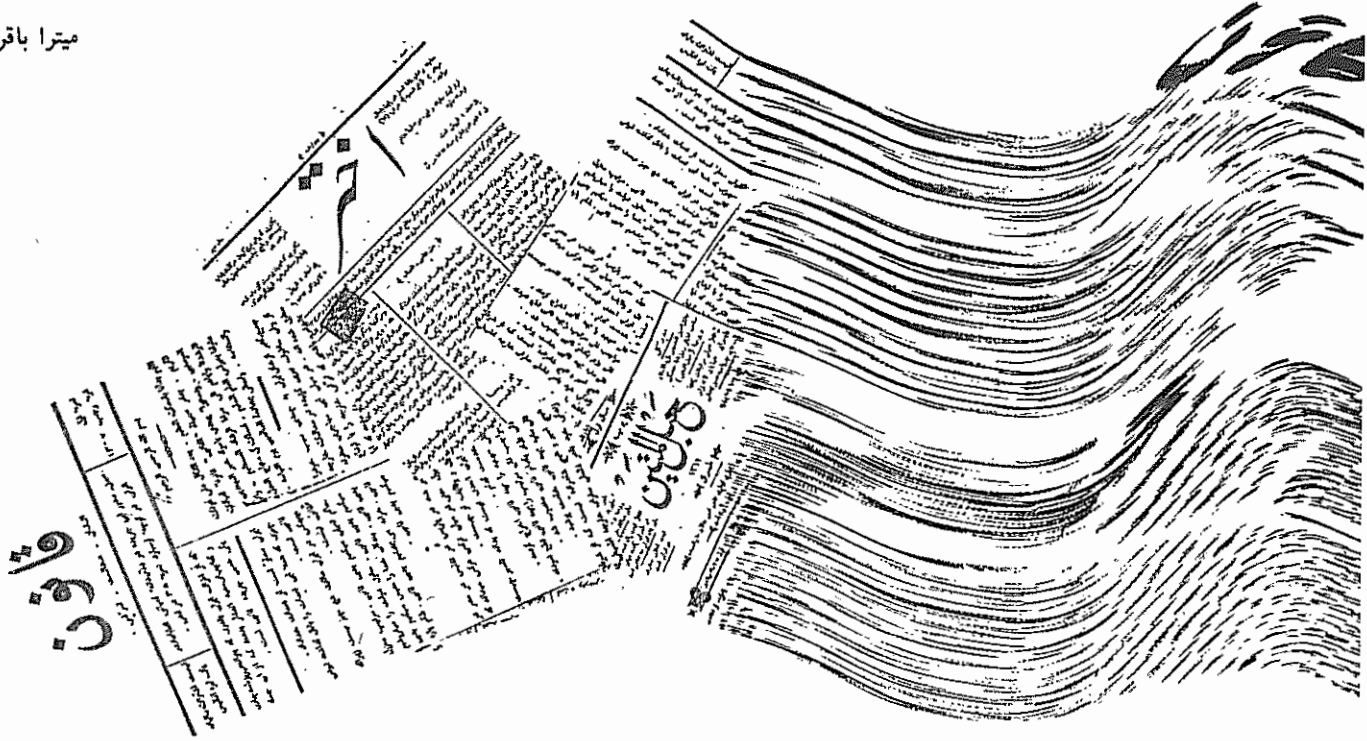
صدای شیبه اسب تکانش داد. چشم گشود و یکدفعه خون توی رگهایش یخ بست. کنار دهان اسب سر بر خاک گذاشت. حیوان همین‌طور کف بالا می‌آورد و پاهایش می‌لرزید.

تا ساعتها بعد از عروسی مردم هنوز توی کوچه‌ها بودند و همگی او کتای محمد را دیده بودند که به همراه اسبی از طرف دریا می‌آمد و سراپا خیس، با گردن افراشته و کاکلی که باد پریشانش می‌کرد، می‌گذشت.

حیوان هنوز به خودش می‌پیچید. او کتای محمد از درد چشمهایش را بست و همان لحظه بود که آخرین ناله کشدار مادیان را شنید که همراه آخرین نفسش فرو کشیده شد و دیگر برنیامد.

به خودش پیچید. داشت می‌سوخت. انگار که به یکباره تمام تنش آتش گرفته باشد. نه باور نمی‌کرد. نمی‌توانست باور کند که اسبی با یک داغ بمیرد.





۸۲ سال پیش اولین نشریه ویژه زنان منتشر شد. این نشریه هفتگی با یک تاخیر ۶۰ ساله نسبت به شروع فعالیتهای مطبوعاتی در ایران آغاز به کار کرد. در طی این مدت حوادث بی‌شمار سیاسی و اقتصادی بر کشور گذشته و چندین بار نظام اداره کشور دگرگون شده است. فعالیتهای مطبوعاتی بیشتر از هر نوع فعالیت دیگر ارتباط مستقیم با تحولات سیاسی و فرهنگی هر نظامی دارد و در این راه فراز و نشیبهای متعددی را به خود می‌بیند و مانند سایر موارد، فعالیتهای مربوط به زنان با مسائل مضاعف همراه بوده است.

گزارشی که پیش روی دارید، به بررسی اجمالی موقعیت زنان در فعالیتهای مطبوعاتی در دوره‌های مختلف تاریخی (قاجاریه - رضاخان - روی کار آمدن محمدرضا تا کودتای ۲۸ مرداد - سالهای کودتا تا انقلاب سفید شاه سابق - از آن سال تا سرنگونی رژیم پهلوی و دوره بعد از انقلاب اسلامی) می‌پردازد. انتخاب دوره‌های تاریخی به لحاظ فراز و نشیبهایی است که در فعالیتهای مطبوعاتی زنان به وضوح مشاهده می‌شود - تلخیصی از آن در جدولهای پیوست آمده است - و ارتباط روزافزونی که تحولات اقتصادی هر دوره با چگونگی و ماهیت فعالیتهای مطبوعاتی زنان داشته است.

بشر و ارتباطات

در تمامی طول حیات بشری، حتی در دوران ماقبل تاریخ، افراد بشر در پی بهبود تواناییهای خویش برای دریافت، جذب و انتقال اطلاعات و اخبار محیط پیرامون خود به فراخور حیطه دانش زمانه خود بوده‌اند. برقراری ارتباطات با استفاده از اشارات سر، دست و علایم صوتی ساده آغاز شد. انتقال پیامها که در ابتدا با یک سری از ابزارهای غیرکلامی مانند آواهای موسیقی‌گونه، رقص، نواختن طبل، افروختن آتش و پراکندن دودهای سمبلیک، نقاشی روی سر و صورت و بدن آغاز شده بود با نمایشهای ترسیمی مانند حکاکی و ترسیم بر روی سنگ و یا دیوار غارها توسعه پیدا کرد. تصاویر و یا تمثالهای نمادین قراردادی که نمودار یک فکر (عمدتاً غیرمادی) بود، به کمک تکمیل مفاهیم ارتباطی مورد نیاز افراد بشری آمد. این مرحله از تکامل بشری اهمیت ویژه‌ای در تاریخ حیات انسان دارد، زیرا ابزاری برای بیان موضوعهای انتزاعی از محیط پیرامون بوده و بیشتر حکایت از شروع اندیشه‌های متافیزیکی دارد.

با پیدایش اقوام گوناگون و گسترش آنها بر روی زمین، شکلهای ارتباط میان افراد، با توجه به مراحل متفاوت تکاملی که گروههای جدا از هم طی می‌کردند، کاملاً متنوع می‌یافت. زبانهای متمایز با مجموعه لغات و

ساختار زبانی منطبق با رسوم و سنتهای مشخص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - به عنوان اولین متمایزکننده نوع بشر از حیوانات - تکامل می‌یافت و انواع ویژه‌ای از ارتباط را می‌طلبد.

خط، دومین پیشرفت و دستاورد عمده بشری، به دوام و بقای جوامع استمرار می‌بخشد. هم‌اکنون یکی از راههای اصلی ارتباط و گذشت از تونل زمان برای فهم تمدنهای باستانی و اطلاع از کم‌وکیف زندگانی بشر بر روی کره زمین، بررسی علایم ثبت‌شده بر لوحه‌های گلی، سنگ نبشته‌ها و طومارهایی است که در واقع شکلهای ابتدایی خط بوده‌اند.

با اینکه تصاویر و نوشته‌ها نخستین بار در حدود ۲۵۰۰ سال پیش با استفاده از حکاکی یا کنده‌کاری روی چوب تکثیر شد، به نظر می‌رسد که تاریخ عصر نوین ارتباطات، از اختراع چاپ آغاز می‌شود. فنی که در کشور چین، در قرن هشتم میلادی و در اروپا در قرن پانزدهم پدید آمد.

نظامهای سیاسی - اقتصادی و مطبوعات

در قرن هفدهم، به دنبال کتاب، جزوه و سپس روزنامه پدید آمد. روزنامه‌های نخستین کاملاً حالت خصوصی داشتند. برخی از کهنترین روزنامه‌ها با توجه به شرایط زمانی و مکانی که ضرورت انتشار آنها را فراهم



بررسی اقتصادی فعالیت‌های مطبوعاتی زنان

روزنامه «وقایع اتفاقیه» به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ آغاز شد. فعالیت‌های مطبوعاتی به تناسب اوضاع و احوال و شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه فراز و نشیب‌های متعددی را طی کرده است. فعالیت‌های چاپ و انتشار مطبوعات در ایران را در سال‌های قبل از انقلاب به چند دوره تاریخی تقسیم می‌کنند. این دوره‌ها عبارتند از: عصر ناصری - عصر مظفوری - عصر مشروطه - عصر احمدی - عصر پهلوی. بر اساس امکانات موجود پژوهشی، تا عصر مشروطه کلیه مؤسسات و مدیران روزنامه‌های یومیه، هفته‌نامه‌ها و گاهنامه‌ها، مرد بودند و به طور کلی در جمع خبرنگاران و نویسندگان و سایر کارکنان جراید هیچ زنی فعالیت نداشت. این امر ناشی از اقتصاد راکد، سنتی و بسته آن زمان بود که جدا از عوامل سیاسی - که همیشه نقش اساسی را در شروع، ماندگاری و توسعه فعالیت‌های مطبوعاتی داشته است -، فعالیت‌های زنان را منحصر و محدود به فعالیت‌های ساده کشاورزی و دامداری کرده بود. اصولاً در زمان قاجار از زن به جز عنصر و وسیله‌ای برای تولید مثل - چه در سطح دربار و اعیان و اشراف (حرامسراها) و چه در سطح عوام و مردم کوچک و بازار - تلقی دیگری وجود نداشته است. به تدریج و با شروع ارتباط افراد مرفه و طبقه بالای جامعه با فرهنگ

رسوایها می‌پرداختند. صاحبان این نشریات بیشتر در پی کسب پول بودند و اطلاعات خوانندگان خود را در سطح نازلی نگاه می‌داشتند.

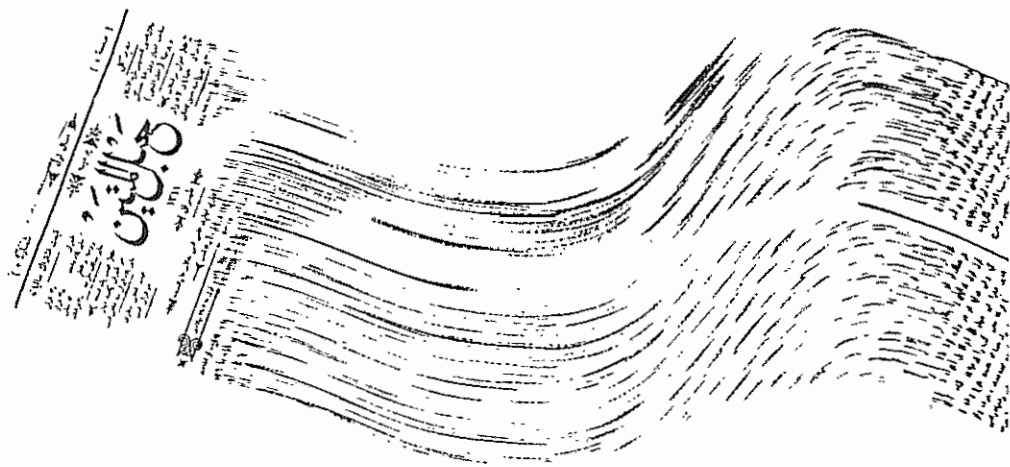
در کشورهایی که نظام سیاسی - اقتصادی مبتنی بر سوسیالیسم برپا شده بود، مشخصات اساسی و اهداف مطبوعات از ریشه تغییر می‌کرد. روزنامه‌ها دیگر در مالکیت بخش خصوصی نبودند و یکی از اهداف اولیه آنها آموزش و بسیج افکار عمومی بود. از آنها می‌خواستند به جای فراهم کردن منابع گوناگون اطلاعات و آزادی برای جامعه منتقد و آزاداندیش روزنامه‌خوان، به جلب پشتیبانی برای هدف‌های سیاسی که قدرتمندان تنظیم می‌کردند، پردازند.

یکی از مهمترین عوامل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم ضعف مبانی اطلاعاتی و ارتباطی است. جهان سوم در حال حاضر نمی‌تواند از عهده تولید اطلاعات مورد نیاز خود برآید. ارتباطات به ویژه از نوع مکتوب آن، به عنوان بخشی رو به رشد از تولید ناخالص ملی، تأثیر مستقیم بر قدرت تولید و اشتغال دارد که در این کشورها کمتر مورد توجه واقع شده است.

نقش زنان در مطبوعات ایران
فعالیت‌های مطبوعاتی در ایران با انتشار

آورده بود، آگاهی‌هایی در باره بازرگانی، کالاها، بارگیری کشتیها و مانند اینها به خوانندگان خود می‌دادند که خود خدمتی بزرگ به نظام سرمایه‌داری نوپا به شمار می‌آمد. تمایل اصلی روزنامه‌ها به بسیج افکار عمومی و تفسیرهای اجتماعی و سیاسی بود و با حمله به خرافات، نیروی کشیشان، افشای شرارت‌های حکام و یا زورمداران، گاهی با توقیف، پیگرد، زندان و عواقبی نظیر اینها روبرو می‌شدند. مبارزه برای آزادی مطبوعات برای نخستین بار در پایان قرن هجدهم به پیروزی رسید (در کشورهای بریتانیای کبیر، ایالات متحده و فرانسه) و این تلاشها تاکنون نیز برای آزادی عقیده و بیان و نشر آن ادامه پیدا کرده است. شکوفایی امپریالیسم، ارتباط درهم تنیده‌ای با توسعه فعالیت‌های انتشاراتی پیدا کرد. در کشورهایی که دولتها از طریق انتخابات تغییر می‌کردند، روزنامه‌ها برای مقابله با فشار مقامات، بسیار نیرومند شدند و این هنگامی بود که میان روزنامه‌های جدی از یک سو و روزنامه‌های مردم‌پسند از سوی دیگر شکاف پدید آمد. روزنامه‌های دسته اول را به طور عمده اشخاص تحصیلکرده می‌خواندند و نفوذی بیش از میزان تیراژ خود به دست می‌آوردند و روزنامه‌های دسته دوم به بهای چشم‌پوشی از تحولات سیاسی و اجتماعی، به بازتاب حوادث هیجان‌انگیز، جنایات و





نوشته بود: «روزنامه‌ای است اخلاقی، حفظ الصحة، اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان، راجع به مدارس نسوان. مقالاتی که با مسلک جریده موافقت داشته باشد، پذیرفته می‌شود.»

صفحه چهارم «شکوفه» مصور بود. در شماره اول با تصویری کار فالگیری و جام‌زنی را تزیین می‌کند. انتشار این روزنامه به علت عوارض ناشی از جنگ بین‌الملل اول نامنظم شد.

خانم «صدیقه دولت‌آبادی» خواهر حاجی میرزا محمدعلی دولت‌آبادی در سال ۱۳۳۷ هجری، یعنی سه سال پس از تعطیل روزنامه «شکوفه»، روزنامه «زبان زنان» را - که در واقع سومین روزنامه خاص زنان بود - در اصفهان انتشار داد. ترتیب انتشار آن هر پانزده روز یکبار بود. روزنامه «زبان زنان» به تدریج از مسلک مقرر خود که بحث در امور مربوط به زنان و دوشیزگان باشد، خارج شد و به موضوعات دیگری پرداخت. در نتیجه این روزنامه جنبه جنجالی پیدا کرد، زیرا به مناقشه قلمی با مردان می‌پرداخت و موضوع آزادی و استبداد را بیش از مسائل مختص به زن، هدف بحث قرار می‌داد. در دومین سال انتشار آن، پیشامد کودتای اوت ۱۲۹۹، سبب تعطیل روزنامه در اصفهان شد و تبدیل آن به مجله در سال ۱۳۰۰ ش.، با انتقال به تهران پیش آمد. صورت طبع آن هم از حروف سربی مطبوعه حبل‌المتین اصفهان، به خط نستعلیق ملک‌الخطاطین و چاپ سنگی تبدیل شد.

دختر میرزا حسن رشیدی، همسر میرزا

روزنامه تربیت نسوان و دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان بود و در آغاز آن قید شده بود که روزنامه‌ای «اخلاقی و بچه‌داری» است. «صفت تبریزی» که برای همراهی ستارخان به تهران آمده بود و بعدها از ادبا و معارف آذربایجان شد، در سه شماره اول روزنامه دانش به عنوان سردبیر همکاری داشت.

اگر چه موضوعاتی که در ۳۰ شماره دانش درج شده است، از روشهای مقرر روزنامه خارج نبوده، ولی برخی متخصصین نظر داده‌اند که این روزنامه از حیث اخبار و دسته‌بندی مطالب بر غالب روزنامه‌های همزمان خود امتیاز دارد.

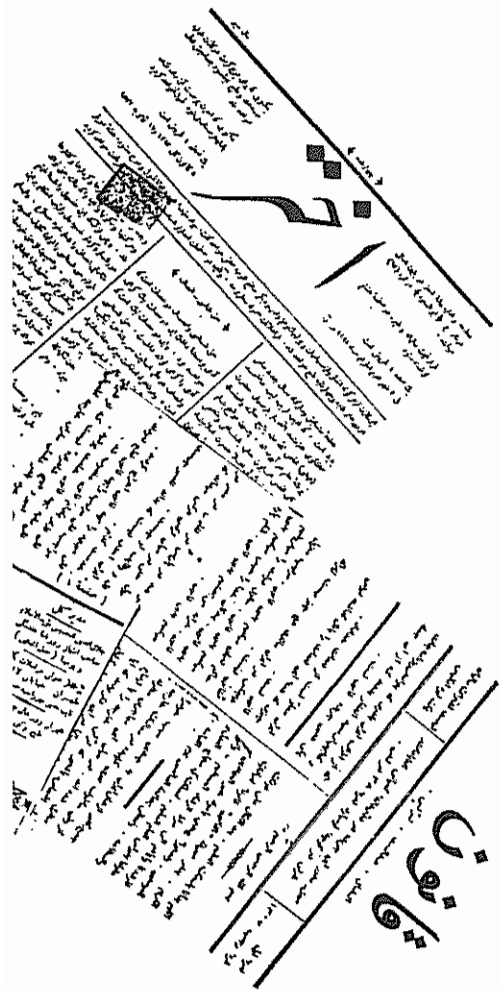
پس از تعطیل اجباری روزنامه دانش به سال ۱۳۲۹ ه.ق. به لحاظ مشکلات مالی و عدم تکافوی مخارج از طریق درآمد، خانم «مزین السلطنه» دختر میرزا سیدرضی‌خان دکتر طباطبایی سمنانی مؤسس و مدیر مدرسه مزینیه در ذیحجه سال ۱۳۳۰ ه.ق. نخستین شماره روزنامه مصور «شکوفه» را در چهار صفحه با خط نسخ به چاپ سنگی انتشار داد و باعث شد که صفحه مطبوعات از روزنامه مخصوص زنان خالی نماند. ترتیب انتشار شکوفه، پانزده روز یکبار بود. در بالای صفحه اول به شیوه «دانش» بانوان

اروپایی و پذیرفتن تاثیرهای ناشی از آن روابط، و با ازدیاد مدارس و گشایش مدارس دخترانه و ورود افراد تحصیل کرده در فرنگ به کشور، طبقه باسوادی از زنان به وجود آمد که سطح نیازهایشان با زنان عام متفاوت بود و به دنبال کسب حقوق اولیه انسانی خود تلاشهایی را آغاز کردند. گسترش میزان سواد در میان زنان و دختران به این تلاشها صورت عینی داد.

از زمان شروع فعالیتهای مطبوعاتی در ایران تا حدود ۶۰ سال بعد از آن، حیطة مطبوعات منحصر به مردان بود تا اینکه در سال ۱۳۲۸ ه.ق. (۱۲۸۸ ش) اولین نشریه خاص زنان منتشر شد. نام این نشریه «دانش» بود و به صورت هفتگی منتشر می‌شد. این نشریه در هشت صفحه چاپ می‌شد و مدیر و صاحب امتیاز آن خانم دکتر «کحال»، دختر یعقوب جدیدالاسلام همدانی و از جمله چشم‌پزشکان بود. وی در برخی از شماره‌های نشریه خود برای معالجه چشم در اداره روزنامه اعلام آمادگی کرده بود. این روزنامه ظرف کمتر از یک سال تعطیل شد.

«دانش»، نخستین روزنامه فارسی زبان است که اختصاص به زنان داشت. مسلک

عنوان شغل	سال	قبل از سال ۱۳۲۰
صاحب امتیاز	۴	۳۹ ۳۸ ۳۷ ۳۶ ۳۵ ۳۴ ۳۳ ۳۲ ۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۱۳۲۰
مدیر	۲	۱ ۱ ۲ ۹ ۱۱ ۶ ۳ ۴ ۱ ۱ ۲ ۱ ۱
سردبیر	۲	۱ ۱



میزان کمک و یاری او به خانم مدبر کاسته شد و روزنامه بعد از چند شماره تعطیل شد و زن و شوهر در پی موضوع رفع حجاب رفتند و با تشکیل مجالس اختصاصی برای ترویج این فکر مجال روزنامه‌نگاری از هر دوی آنها گرفته شد.

زنان در دوره رضاخان - علی‌رغم اصلاحات ظاهری که او در شرایط عمومی اداره کشور ایجاد کرده بود - موقعیتی بهتر از وضعیت درون حرمسراهای دوران قاجار پیدا نکردند و تعداد کرسیهای بلندپایه فرهنگی و مطبوعاتی آنها همچنان از تعداد انگشتان دست بیشتر نشد. در این دوره یک روزنامه یومیه به نام «آفتاب شرق» به مدیریت «نرجس آموزگار» منتشر می‌شد که سال تاسیس آن منتسب به ۱۳۰۳ ه. ش. است.

در دوره ۱۳۲۰ الی ۱۳۳۲ ه. ش. انبوهی از نشریات و روزنامه‌های گوناگون چاپ و منتشر می‌شد، به طوری که در بررسیهای اولیه تعداد آن به ۱۵۰۰ عنوان می‌رسد. این امر ارتباط مستقیم با حرکت‌های سیاسی و اجتماعی مهمی که در خلال این دوره رخ داده، داشته است. سه نوع حرکت عمده که در اصلیت‌ترین تقسیم‌بندیها به حرکت‌های «مذهبی»، «ملی» و «کمونیستی» تقسیم می‌شوند، اساس حرکت‌های فرهنگی را تشکیل می‌دادند. از بین انبوه نشریاتی که در این دوره به طبع رسید، نشریات کمونیستی به ویژه نشریات وابسته به حزب توده به بیشترین میزان انتشار خود رسیدند و تشکلهای حزبی به طور فزاینده‌ای به نشر عقاید خود پرداختند. «سازمان زنان ایران» بیشترین

ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای که نام خود را به «شهباز آزاد» تغییر داده بود، کار روزنامه‌نگاری را از پدر و شوهر خود آموخت. او یک سال بعد از انتشار «زبان زنان» در اصفهان چهارمین روزنامه زنان را در تهران و در سال ۱۳۳۸ هجری قمری تاسیس کرد. «نامه بانوان» مانند «دانش» و «شکوفه» فقط به مسائل مربوط به زنان نمی‌پرداخت، بلکه همچون روزنامه «زبان زنان»، حوزه کار خود را وسعت داده بود. میرزا ابوالقاسم آزاد که دوران جوانی خود را در عتبات عراق، عرب و هندوستان گذرانیده و به زبان انگلیسی هم آشنایی یافته بود، در سال ۱۳۳۴ که اوضاع متشنج ناشی از آغاز جنگ، جراید تهران را از عرصه چاپ و نشر خارج می‌کرد، «نامه یارسی» را تاسیس کرد و به تصفیه زبان فارسی بر حسب سلیقه خود پرداخت. او توانست امتیاز «نامه بانوان» را برای همسرش به دست آورد و آن را وسیله‌ای برای نشر فرهنگ «پارسی ناب آزاد» سازد. این روزنامه را «نوبهار» نام داده بودند و در هر شماره چندین صفحه از آن را ضمیمه «نامه بانوان» می‌کردند به طور کلی باید گفت این نامه نوبنیاد چنان که در صدر آن نوشته شده بود: «برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره ستمکش ایران منتشر می‌شد» در آغاز امر که «آزاد» فراغتی برای یاری با همسرش داشت، انتشار نامه به موانعی بر نمی‌خورد، ولی پس از آنکه «آزاد» خود را به نشر روزنامه‌های «آسایش» و «آزاد» به دستگیری میرزا ابوطالب خان شیروانی مشغول شد، از

میزان فعالیت را در این گروه از نشریات - به ویژه نشریات خاص زنان - داشت. در گروه نشریات متعددی که برای زنان در این دوره چاپ می‌شد، سه نشریه به ظاهر مستقل ویژه زنان منتشر می‌شد: «زن امروز»، به مدیریت بدرالملوک به صورت هفتگی، «ندای زنان» به مدیریت مریم میرهادی به صورت هفتگی و «بیداری ما» به مدیریت زهرا اسکندری به صورت یومیه. در همین دوره نشریات متعددی توسط مردان منتشر می‌شد که بیشتر حاوی بررسیهای سیاسی،

۶۸	۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	۵۰	۴۹	۴۸	۴۷	۴۶	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	
۷۱	۳		۱						۲	۳		۲		۱	۱				۱	۲	۱		۱	۱	۱	۳	
۴۳		۲		۲	۱				۲				۴		۱				۳	۱	۱	۱				۲	۳
۲۰			۱					۱	۱	۲	۲		۱	۱			۱	۱					۱	۱		۱	



اجتماعی، انتقادی و فرهنگی بودند. برای گروهی از این نشریات ظاهراً مردانگی جزئی لاینفک و از صفات بارز انتشار روزنامه به شمار می‌رفته است. تا جایی که این موضوع در انتخاب نام سی نشریه آن دوره نیز نقش جدی داشت. نشریاتی مانند: مرد، مرد آسیا، مرد آهنین، مرد امروز، مردان روز، مردان شرق، مرد انقلاب، مردان کار، مرد ایرانی، مرد بازار، مرد پیروز، مرد پیکار، مرد توانا، مرد جنوب، مرد جهان، مرد حقیقت، مرد خاور، مرد خوزستان، مرد دلیر، مرد دنیا، مرد رزم، مرد روز، مرد شیراز، مرد فارس، مرد کار، مرد گیلان، مرد میدان، مرد میهن و مرد وطن. سه عنوان از این جراید روزانه و بقیه به صورت هفتگی منتشر می‌شده‌اند.

سیاست ایجاد زمینه‌های فکری گرایش به مارکسیسم، در جهت تبلیغ شدیدی بود که پس از مشروطیت و مخصوصاً در دوران رضاخان در مخالفت با دین به عمل آمده بود و زمان حکومت محمدرضا پهلوی شدت بیشتری پیدا کرد. از سوی دیگر شعارهای تساوی طلبانه و عدالتخواهانه‌ای که مارکسیستها سر می‌دادند، در جامعه فئودالی و خان‌سالار پس از شهریور ۲۰ که آکنده از نابرابریها و بی‌عدالتیهای اجتماعی بود، برای بسیاری از زحمتکشان و محرومان و طبقه روشنفکر جامعه، به ویژه جوانان جاذبه‌های زیادی داشت. فعالیتهای زنان در عرصه مطبوعات در این دوره به حداکثر میزان خود

می‌رسد، به نحوی که به عنوان مثال، تعداد زنانی که در فعالیتهای طراز اول فرهنگی و مطبوعاتی کشور کار می‌کردند، فقط در سال ۱۳۳۰ با تمامی سالهای بعد از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۶۸) برابری می‌کردند. در سه سال ۱۳۲۹-۱۳۳۱-۱۳۳۳ بیشتر از یک سوم مجموع زنانی که در عرصه مطبوعات کشور در سالهای قبل از انقلاب، در مشاغل بالا مطرح بوده‌اند، فعالیت داشتند. این امر تا کودتای مرداد ادامه داشت. با وقوع کودتا هرگونه تشکل حزبی و سیاسی به شدت سرکوب شد و در نتیجه بسیاری از نشریات وابسته به این تشکلهای متوقف شدند. از جمله نشریاتی که برای زنان یا توسط زنان اداره می‌شد. طی سالهای کودتا (۱۳۳۲) تا اقدامات رفورمیستی محمدرضا پهلوی تحت عنوان اصلاحات ارضی و انقلاب سفید (۱۳۴۱) هرگونه ادعای روشنفکرانه و یا مغایر با سیاست حاکم، مجالی برای بروز و ظهور نداشت. در طی این دوران تعداد کلی نشریات به طور اعم و تعداد نشریات ویژه زنان به طور اخص به نحو بسیار مشخصی رو به کاهش می‌گذارد. و به همین ترتیب از تعداد مشاغل زنان نیز در این رشته کاسته می‌شود، به نحوی که در این دهه فقط شش عنوان مطبوعاتی طراز بالا به زنان اختصاص پیدا کرده است که حتی از دوران قاجار نیز کمتر است.

از سال ۱۳۴۲ تا پایان عمر رژیم پهلوی به دنبال اصلاحات ظاهری انجام شده و تبلیغات

مجله زنان
شماره ۳
[مقاله ۱۰]
عنوان: ...
مجله زنان
شماره ۳
[مقاله ۱۰]

وسیع تا حدودی فعالیتهای مطبوعاتی توسعه پیدا کرد، اما فعالیتهای مطبوعاتی طی این دوره به گونه‌ای نبوده است که زمینه‌های رشد فرهنگی و اجتماعی زنان کشور را مطابق با هنجارها و عادات ملی و مذهبی کشور فراهم سازد. این امر در مورد نشریات علمی به صورت یک استثنا مطرح می‌شود.

در این دوره زنان متصدی موارد بسیار زیادی از مشاغل طراز بالای مطبوعاتی نظیر سردبیری، صاحب امتیازی، مدیریت و غیره شدند و همچنین خیل عظیم از زنان به عنوان نویسندگان، خبرنگاران و گزارشگر، عکاس و کارکنان امور فنی و تولیدی وارد حیطه فعالیتهای مطبوعاتی شدند.

دسته‌بندی مشخص و اولیه‌ای که برای فعالیت زنان در نشریات این دوره می‌توان قایل شد به این ترتیب است:

- نشریات سیاسی وابسته به سازمان زنان و سازمان خدمات شاهنشاهی کشور و حزب رستاخیز.
- نشریات علمی و تخصصی وابسته به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و یا وزارتخانه‌ها و مؤسسات تابعه (این گروه از نشریات یا ویژه زنان منتشر می‌شدند، مانند مجلات مامایی و یا با مدیریت زنان اداره می‌شدند، مانند مجله پست ایران).
- نشریات عمومی ویژه زنان.

نشریات گروه اول اگرچه در تیراژهای به ظاهر بالا چاپ می‌شدند، ولی عمدتاً به لحاظ تبلیغ سیاستهای رژیم گذشته، آنها را

جمع	بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۶۸-۱۳۵۷	قبل از انقلاب اسلامی				سال نامشخص	دوره‌های تاریخی عنوان شغل
		۱۳۵۶-۱۳۴۲	۱۳۴۱-۱۳۳۲	۱۳۳۱-۱۳۲۰	قبل از سال ۱۳۲۰		
۱۰۰	۸/۵	۱۹/۷	۷/۱	۵۴/۹	۵/۶	۴/۲	صاحب امتیاز
۱۰۰	۱۱/۶	۳۹/۵	۲/۳	۳۷/۲	۴/۷	۴/۷	مدیر
۱۰۰	۳۵/۰	۳۵/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۰	سرمدیر

انجمن دارای یک هیئت‌مدیره و یک هیئت مشاور بود که در نخستین انتخابات تعیین شدند و ریاست هیئت‌مدیره بر عهده اعظم سپهر خادم مدیر وقت مجله «پست ایران» گذاشته شد.

فعالیت‌های زنان در مشاغل مطبوعاتی بعد از انقلاب اسلامی

ارتباط در معنای وسیع خود عبارت است از کار فردی و گروهی مبادله حقایق و عقاید در درون نظام اجتماعی. نظم‌دادن اطلاعات که بیشتر به صورت مکتوب صورت می‌گیرد، عملیات گردآوری، ذخیره و پرورش و انتشار اخبار و حقایق برای رسیدن به درکی آگاهانه از وضعیت فرد و جامعه است که این امر کمکی به شناخت و درک دیدگاهها و آرزوهای مشترک و کوشش برای بهبود شرایط فردی و اجتماعی است.

نظام ارتباطی و ماهیت عملکردی مطبوعات تا حد زیادی منتج از تصمیم‌گیریهای سیاسی است و این تصمیم‌گیری است که زمینه‌های انطباق ارزشهای نظام اجتماعی را با هنجارها و عرف و عادات اخلاقی همان جامعه فراهم می‌کند. در حال حاضر و بر اساس قوانین بدون کشور هیچ‌گونه منعی برای فعالیت‌های مطبوعاتی زنان وجود ندارد ولی ساختارهای اقتصادی و بنیادهای تولیدی در سالهای اخیر به گونه‌ای عمل کرده است که زنان را از حیطه فعالیت‌های اقتصادی تا حدود زیادی

پاورقی نشریات این دوره مملو از داستانهای عشقی و عمدتاً مبتذل و طرح صریح انواع انحرافهای اجتماعی و اخلاقی بود. چهره زنان در این موارد معمولاً به عنوان موجوداتی وابسته، غیرمنطقی و بسیار احساساتی و پرهیجان ترسیم می‌شد. البته گاهی در زیر لوای آزادی و برابری با مرد به نحو شگفت‌انگیزی تا حد برده‌های دوره ماقبل سرمایه‌داری سقوط داده می‌شدند و مانند کالایی با وجه مشخصه و غالب جنسیت بر همه ارزشها، خرید و فروش - البته به سبک مدرن - می‌شدند.

در دوران رژیم گذشته نشریات خاص زنان که متکی بر مبانی اسلامی و مذهبی بوده باشد، به چاپ نمی‌رسید و هرچندگاه یکبار در نشریات مذهبی مطلبی در خصوص حقوق زنان در اسلام و یا موارد مشابه به چاپ می‌رسیده است.

انجمن زنان نویسنده

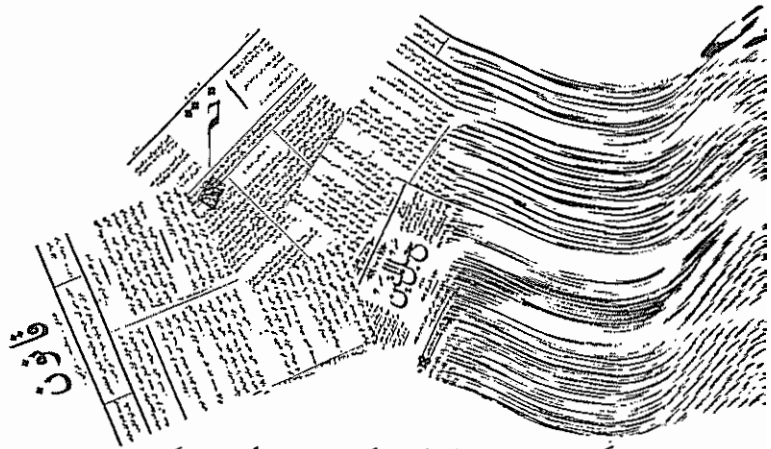
تنها شکل صنفی زنان روزنامه‌نگار و نویسنده «انجمن زنان» بود که وابسته به انجمن جهانی زنان روزنامه‌نگار و نویسنده (World Association of Women Journalists and Writers) بوده است.

«انجمن زنان» در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۰ طبق تقاضای انجمن جهانی زنان روزنامه‌نگار و نویسنده، به منظور حمایت از حقوق بانوان روزنامه‌نگار تأسیس شد.

به طور رایگان توزیع می‌کردند. نشریات آکادمیک و علمی و تخصصی همواره مخاطبان خاص خود را داشتند. این نشریات در تیراژ محدود چاپ می‌شدند و میزان تاثیرپذیری آنها از سیاستهای حاکم کمتر بود و بیشتر به دنبال طرح مسائل بنیادی و علمی بودند و از جنجال و هیاهو پرهیز داشتند.

نشریات عمومی زنانه از جهت انبوه آگهیهای مد و لوازم آرایش و بهداشتی در نگاه اول قابل شناسایی بودند و تیراژ و موفقیت آنها به همین لحاظ نیز چشمگیر بود و از نظر اجتماعی و تاثیرگذاری بر رفتارهای گروه خوانندگان که اکثر آنها را زنان و دختران جوان تشکیل می‌دادند، به عنوان یک پدیده جامعه‌شناسی در میان مطبوعات دوره‌ای جایگاه خاصی داشتند. تنوع مطالب و شیوه‌های مختلف تنظیم این مطالب به گونه‌ای بود که طیف وسیعی از مردم عادی جامعه را جلب می‌کرد. گذشته از تفاوت‌های موجود میان گروه خوانندگان یا زرق و برق ظاهری این مجلات، شاید مناسبتر باشد که آنها را بر حسب اینکه چه نوع زنی را به خوانندگان خود معرفی می‌کردند، طبقه‌بندی کرد. یا به عبارتی شاید بتوان آنها را در دو گروه «طنیان» و «کدبانو» از یکدیگر متمایز ساخت. این گونه نشریات بیشتر به دنبال ارضای سلیقه بسیار سطحی خوانندگان و مخاطبان خود بودند و به هر حال بر جنبه‌های گوناگون کارکردهای جنسی زنان تأکید ویژه‌ای داشتند. داستانهای کوتاه و بلند و





فرهنگی

دور نگه داشته است. بارهقر، بیکاری و عمدتاً فرصتهای نابرابر آموزشی در کلیه سطوح بر دوش زنان نیز بوده. اگر قرار است زنان واقعاً در حل مسائل جامعه سهم باشند، احتیاج به زمینهها و فرصتهای برابر آموزشی، شغلی، سیاسی و مشارکتهای اجتماعی دارند.

صنعت ارتباطات به گونه‌ای کاملاً مشهود این نابرابری را نشان می‌دهد. بر اساس آمار آخرین سرشماری انجام شده، حدود ۱۰ درصد از مؤلفان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل مشابه زن هستند و این در حالی است که زنان به ندرت فرصت می‌یابند تا در بخشهای سیاسی یا اقتصادی نشریات به پژوهشگری و تحلیلهای جدی پردازند و تعداد اندکی از آنان به سردبیری می‌رسند و یا در زمره مدیران بلندپایه قرار می‌گیرند. در حالی که یکی از زمینه‌هایی که زنان می‌توانند بنا به ذوق و سلیقه و استعداد و رشته تحصیلی کوشا و موفق باشند و از جمله شغلهای پرچییت اجتماعی به شمار می‌آید، مشاغل مطبوعاتی است. عمده مواردی که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیتهای مطبوعاتی عمل کرده است، به شرح زیر می‌باشد:

صنعت ارتباطات به گونه‌ای کاملاً مشهود این نابرابری را نشان می‌دهد. بر اساس آمار آخرین سرشماری انجام شده، حدود ۱۰ درصد از مؤلفان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل مشابه زن هستند و این در حالی است که زنان به ندرت فرصت می‌یابند تا در بخشهای سیاسی یا اقتصادی نشریات به پژوهشگری و تحلیلهای جدی پردازند و تعداد اندکی از آنان به سردبیری می‌رسند و یا در زمره مدیران بلندپایه قرار می‌گیرند. در حالی که یکی از زمینه‌هایی که زنان می‌توانند بنا به ذوق و سلیقه و استعداد و رشته تحصیلی کوشا و موفق باشند و از جمله شغلهای پرچییت اجتماعی به شمار می‌آید، مشاغل مطبوعاتی است. عمده مواردی که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیتهای مطبوعاتی عمل کرده است، به شرح زیر می‌باشد:

صنعت ارتباطات به گونه‌ای کاملاً مشهود این نابرابری را نشان می‌دهد. بر اساس آمار آخرین سرشماری انجام شده، حدود ۱۰ درصد از مؤلفان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل مشابه زن هستند و این در حالی است که زنان به ندرت فرصت می‌یابند تا در بخشهای سیاسی یا اقتصادی نشریات به پژوهشگری و تحلیلهای جدی پردازند و تعداد اندکی از آنان به سردبیری می‌رسند و یا در زمره مدیران بلندپایه قرار می‌گیرند. در حالی که یکی از زمینه‌هایی که زنان می‌توانند بنا به ذوق و سلیقه و استعداد و رشته تحصیلی کوشا و موفق باشند و از جمله شغلهای پرچییت اجتماعی به شمار می‌آید، مشاغل مطبوعاتی است. عمده مواردی که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیتهای مطبوعاتی عمل کرده است، به شرح زیر می‌باشد:

صنعت ارتباطات به گونه‌ای کاملاً مشهود این نابرابری را نشان می‌دهد. بر اساس آمار آخرین سرشماری انجام شده، حدود ۱۰ درصد از مؤلفان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل مشابه زن هستند و این در حالی است که زنان به ندرت فرصت می‌یابند تا در بخشهای سیاسی یا اقتصادی نشریات به پژوهشگری و تحلیلهای جدی پردازند و تعداد اندکی از آنان به سردبیری می‌رسند و یا در زمره مدیران بلندپایه قرار می‌گیرند. در حالی که یکی از زمینه‌هایی که زنان می‌توانند بنا به ذوق و سلیقه و استعداد و رشته تحصیلی کوشا و موفق باشند و از جمله شغلهای پرچییت اجتماعی به شمار می‌آید، مشاغل مطبوعاتی است. عمده مواردی که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیتهای مطبوعاتی عمل کرده است، به شرح زیر می‌باشد:

صنعت ارتباطات به گونه‌ای کاملاً مشهود این نابرابری را نشان می‌دهد. بر اساس آمار آخرین سرشماری انجام شده، حدود ۱۰ درصد از مؤلفان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل مشابه زن هستند و این در حالی است که زنان به ندرت فرصت می‌یابند تا در بخشهای سیاسی یا اقتصادی نشریات به پژوهشگری و تحلیلهای جدی پردازند و تعداد اندکی از آنان به سردبیری می‌رسند و یا در زمره مدیران بلندپایه قرار می‌گیرند. در حالی که یکی از زمینه‌هایی که زنان می‌توانند بنا به ذوق و سلیقه و استعداد و رشته تحصیلی کوشا و موفق باشند و از جمله شغلهای پرچییت اجتماعی به شمار می‌آید، مشاغل مطبوعاتی است. عمده مواردی که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیتهای مطبوعاتی عمل کرده است، به شرح زیر می‌باشد:

صنعت ارتباطات به گونه‌ای کاملاً مشهود این نابرابری را نشان می‌دهد. بر اساس آمار آخرین سرشماری انجام شده، حدود ۱۰ درصد از مؤلفان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل مشابه زن هستند و این در حالی است که زنان به ندرت فرصت می‌یابند تا در بخشهای سیاسی یا اقتصادی نشریات به پژوهشگری و تحلیلهای جدی پردازند و تعداد اندکی از آنان به سردبیری می‌رسند و یا در زمره مدیران بلندپایه قرار می‌گیرند. در حالی که یکی از زمینه‌هایی که زنان می‌توانند بنا به ذوق و سلیقه و استعداد و رشته تحصیلی کوشا و موفق باشند و از جمله شغلهای پرچییت اجتماعی به شمار می‌آید، مشاغل مطبوعاتی است. عمده مواردی که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیتهای مطبوعاتی عمل کرده است، به شرح زیر می‌باشد:

صنعت ارتباطات به گونه‌ای کاملاً مشهود این نابرابری را نشان می‌دهد. بر اساس آمار آخرین سرشماری انجام شده، حدود ۱۰ درصد از مؤلفان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل مشابه زن هستند و این در حالی است که زنان به ندرت فرصت می‌یابند تا در بخشهای سیاسی یا اقتصادی نشریات به پژوهشگری و تحلیلهای جدی پردازند و تعداد اندکی از آنان به سردبیری می‌رسند و یا در زمره مدیران بلندپایه قرار می‌گیرند. در حالی که یکی از زمینه‌هایی که زنان می‌توانند بنا به ذوق و سلیقه و استعداد و رشته تحصیلی کوشا و موفق باشند و از جمله شغلهای پرچییت اجتماعی به شمار می‌آید، مشاغل مطبوعاتی است. عمده مواردی که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیتهای مطبوعاتی عمل کرده است، به شرح زیر می‌باشد:

دور نگه داشته است. بارهقر، بیکاری و عمدتاً فرصتهای نابرابر آموزشی در کلیه سطوح بر دوش زنان نیز بوده. اگر قرار است زنان واقعاً در حل مسائل جامعه سهم باشند، احتیاج به زمینهها و فرصتهای برابر آموزشی، شغلی، سیاسی و مشارکتهای اجتماعی دارند.

صنعت ارتباطات به گونه‌ای کاملاً مشهود این نابرابری را نشان می‌دهد. بر اساس آمار آخرین سرشماری انجام شده، حدود ۱۰ درصد از مؤلفان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل مشابه زن هستند و این در حالی است که زنان به ندرت فرصت می‌یابند تا در بخشهای سیاسی یا اقتصادی نشریات به پژوهشگری و تحلیلهای جدی پردازند و تعداد اندکی از آنان به سردبیری می‌رسند و یا در زمره مدیران بلندپایه قرار می‌گیرند. در حالی که یکی از زمینه‌هایی که زنان می‌توانند بنا به ذوق و سلیقه و استعداد و رشته تحصیلی کوشا و موفق باشند و از جمله شغلهای پرچییت اجتماعی به شمار می‌آید، مشاغل مطبوعاتی است. عمده مواردی که به عنوان بازدارنده زنان از فعالیتهای مطبوعاتی عمل کرده است، به شرح زیر می‌باشد:

موانع اقتصادی

صاحب سرمایه نبودن زنان -
تعمیل در جای‌گیری، در اولین فرصت شغلی قابل دستیابی -
درآمد کم حاصل از فعالیتهای مطبوعاتی

موانع فرهنگی

عدم شناخت زنان از تواناییهایشان -
مجال‌ندادن به نگرشها و اندیشه‌های متفاوت و نو -
پایین بودن سطح عمومی سواد در زنان -
نشناختن موقعیتهای اجتماعی و

زنان

بر اساس امکانات مطالعاتی و آمار و اطلاعات موجود در آرشیو وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از کل ۱۷۰ نشریه‌ای که تا پایان سال ۱۳۶۸ در تهران مجوز فعالیت داشتند، صاحب امتیاز، مدیر و سردبیر ۱۰ نشریه زن بوده‌اند و این میزان در شهرستانها دو نشریه از ۵۳ نشریه است. تعدادی از این نشریات هیچ‌گاه منتشر نشدند. در مقابل این گروه از نشریات، تعدادی مجله و گاهنامه نیز با مدیریت و مسئولیت زنان منتشر می‌شود که یا مجوز فعالیت ندارند (در هنگام بررسی و تکمیل اطلاعات این پژوهش) و یا به علت وابستگی به سازمانهای دولتی و دانشگاهها از کسب مجوز مستقل معاف هستند. بر حسب مورد انتشار و خط مشی این نشریات (بدون در نظر گرفتن مجوز یا پروانه انتشار) می‌توان آنها را در گروه‌بندیهای زیر مشخص ساخت:

نشریات سیاسی ۱۶/۱ درصد

نشریات تربیتی ۱۲/۹ درصد

نشریات علمی - تخصصی ۳۵/۵ درصد

نشریات ادبی - هنری - فرهنگی ۲۵/۸ درصد

درصد

نشریات عمومی ۹/۷ درصد

از نشریات سیاسی که بنا به مقتضیات زمان در سالهای اول انقلاب بازارگرمی داشتند، در حال حاضر فقط یک نشریه که وابسته به یک تشکل سیاسی زنانه است، به صورت گاه‌به‌گاه منتشر می‌شود و انتشار بقیه نشریات متوقف شده است.

نشریات تربیتی کلاً وابسته به مراکز آموزشی و دانشگاهی می‌باشد. به همین ترتیب نشریات علمی - تخصصی نیز که شامل نشریات کشاورزی، علوم پایه پزشکی و علوم انسانی هستند، وابسته به مؤسسات دولتی و یا دانشگاهها می‌باشند و زنانی که

مردان و در اکثر موارد عضویت هیئت تحریریه و هیئت مدیره نشریات را مردان از آن خود ساخته‌اند.

در مقابل هریک سالی که از حیات انقلاب اسلامی گذشته است، ۱/۶ نفر زن در مجموع فعالیتهای طراز بالای مطبوعاتی فعال بودند، در حالی که این نسبت در دوران قبل از انقلاب اسلامی (عهد قاجار تا سرنگونی محمدرضا) ۱/۷ نفر بوده است و با توجه به اینکه در زمان شاهان قاجار و رضاخان تعداد زنان باسواد بسیار محدود بود و اکنون نسبت زنان باسواد به نحو قابل توجهی بالا رفته است، این تعداد زن به هیچ عنوان نمی‌تواند خلاء موجود و نیازهای جامعه رو به تکامل را پاسخگو باشند (در زمان محمدرضا نسبت مذکور ۲/۸ بوده است) و در مقایسه با سالهای قبل از انقلاب، این نسبت بسیار اندک است.

برای رسیدن به یکی از راههای تکامل سیاست جامع ارتباط ملی و به منظور تبادل نظر و جذب صاحبان اندیشه به نظر می‌رسد، بایستی مشارکتهای وسیع گروههای پراکنده اجتماعی و افراد آگاه را از طریق دادن فرصتهای مناسب برای بیان آراء علمی و اعتقادی و اجتماعی جلب کرد و در این راه باید به وسیعترین اقلیت این کشور یعنی زنان توجه ویژه‌ای مبذول شود. باید به نیازهای ارتباطی زنان توجه بیشتری شود. امکان دسترسی کافی آنها به وسایل ارتباط جمعی مکثوب فراهم آید. تصویر آنها و فعالیتهایشان در رسانه‌های گروهی مخدوش نشود. نیازهای ویژه آنها که یکی از حساسترین و آسیب‌پذیرترین گروههای جامعه هستند، با توجه به سطح عمومی دانش و آگاهی آنها که عمدتاً از سطح کلی جامعه پایینتر است در نظر گرفته شود و کوششها صرف بهبود و ارتقای سطح زندگی مادی و معنوی آنها شود. با زنان به عنوان پیام‌گیران و یا کارگزاران منفعل رفتار نشود و آنها را

تشویق به ایفای نقش فعالتر و سازنده به نفع خودشان و کشورشان کنند. در این راه لازم است به زنان اندیشمند و متخصص جامعه، مجال تلاش برای حذف عدم توازن و نابرابری در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داده شود و قبل از هر چیز به نیروهای بالقوه توانمند که در موضع انفعال قرار گرفته‌اند، قبولانده شود که این خودشان هستند که باید برای بهبود وضعیت فردی و گروه جنسی خودشان حرکت کنند و اگر نه به لحاظ قانونی لاقفل در حیطة مطبوعات مشکل چندانی برای فعالیت ندارند.

منابع و ماخذ

- ۱- پیر آلبر، مطبوعات، ترجمه فضل‌الله جلوه، از مجموعه چه می‌دانیم. (سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸).
- ۲- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، استاد محیط طباطبایی، (بعثت، ۱۳۶۶).
- ۳- فهرست روزنامه‌های فارسی، ولی مراد صادقی‌نسب، (دانشگاه تهران، ۱۳۶۰).
- ۴- یک جهان، چندین صدا، ویرایش شن مک براید، ترجمه ایرج پاد، (سروش، ۶۹).
- ۵- مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، عبدالرحیم ذاکر حسین، (دانشگاه تهران، ۱۳۶۸).
- ۶- راهنمای روزنامه‌های ایران، کبری خدایرست، (کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۶).
- ۷- فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه ملی ایران، (۱۳۶۳).
- ۸- فهرست نشریات موجود در کتابخانه مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، کریم نوری.
- ۹- راهنمای مجله‌های ایران، پوری سلطانی، (۱۳۵۵).
- ۱۰- راهنمای مجله‌های ایران، (۱۳۶۵).
- ۱۱- راهنمای مجله‌های ایران، (۱۳۶۶).
- ۱۲- فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه ملی ایران، بیژن سرتیپ‌زاده، (۱۳۵۶).
- ۱۳- مطبوعات ایران فهرست تحلیلی کتابخانه مجلس سنا (۱۳۵۸).

اشاره

متأسفانه علمی‌رغم تلاش ما برای دور ماندن مجله از اشتباهات، شماره گذشته مجله زنان با برخی اشتباهات ناگزیر به زیر چاپ رفت که تصحیح آنها را ضروری می‌دانیم. عکسهای گزارش «موقعیت زن در نظام اداری ایران» صفحه ۴، از امیرعلی جوادیان بود که این نام از قلم افتاده بود.

در مقاله «زن افغان» صفحه ۲۳ ستون اول بخشی از مطلب جایجایی داشته است که در زیر می‌آید:

سازمانهای زنان افغانستان طی فعالیتهای خود خواستار انجام موارد زیر بوده‌اند:

- ۱- تساوی زنان و مردان در پیشگاه قانون
- ۲- نامگذاری روزی به عنوان روز مادر
- ۳- بهبود وضعیت کلی زن در صورت گرفتن طلاق
- ۴- بالا بردن حداقل سن ازدواج در مورد دختران

در اواخر سالهای ۱۳۳۰ رادیو کابل از کوبندگان زن استفاده کرد.

در صفحه ۲۱، در شعر اتناق من، سروده فرشته ساری، سطرهای ۱ و ۱۱ به ترتیب زیر صحیح است:

من از مراسم مرگ گریزانم
من نمی‌دانم با مُردنم چه کنم

پنجم تا دهم اردیبهشت‌ماه در «نگارخانه سبز» به نمایش در خواهد آمد.

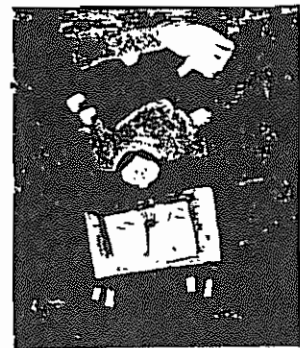
این آثار، شامل ۲۷ تابلوی نقاشی آبرنگ متأثر از مینیاتور است. یکی از ویژگیهای این کارها گرایش بسیار به داشتن هویت ایرانی است. سوسن قائم‌مقام که سابقه‌ای ۲۰ ساله در طراحی گرافیک، در صحنه‌های مختلف به ویژه در مطبوعات داشته است، برای اولین بار است که اقدام به برپاکردن نمایشگاهی از آثار خود می‌کند.

و ایلوستراتور کتابهای کودکان، ۳۵ سال دارد و فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. وی ۱۰ سال است که به تصویرگری کتابهای کودکان و مجلات می‌پردازد و تاکنون چندین جایزه داخلی و خارجی را به خود اختصاص داده است. نقاشیهای برگزیده در این نمایشگاه از کتاب زرافه من آبی است نوشته سوسن طاق‌دیس انتخاب شده است.

نمایشگاه آثار سوسن قائم‌مقام در «نگارخانه سبز» آثار سوسن قائم‌مقام، طراح گرافیک،



آثار ارائه شده توسط اکبر نیکان‌پور، در شمار کارهای برگزیده نمایشگاه تصویرگری بولونیای ایتالیا (۱۹۹۲) انتخاب شد و در کاتالوگی بدین منظور چاپ شد. اکبر نیکان‌پور، طراح، گرافیست



انتخاب آثار یک تصویرگر کتاب کودک در نمایشگاه بولونیا

گروههایی تشکیل شد. سازمانهای زنان در یونان موضوع بهداشت و آموزش زنان را مطرح کردند. در لهستان، جمعیت زنان این کشور علیه قانون محدودیت سقط جنین و الگوی تحمیلی زن خانه‌دار و مادر چهار فرزند راهپیمایی کردند. در ایتالیا و در حاشیه گردهماییهای مشابه، مراسم اعطای جایزه ادبی دوناستیادی رما برگزار شد که کمیته داوری آن را زنان، از جمله خانم ریسا گوریاچف تشکیل می‌دهند. همچنین برای اولین بار انجمن حمایت از مردان ایتالیایی در شهر میلانو اقدام به راهپیمایی در مخالفت با زنان کرد. در پاریس روز جهانی زن در سال جاری مسیحی، برخلاف سالهای گذشته از رونق معمول برخوردار نبود و ابراز نگرانی از سرنوشت زنان جایگزین خطابه‌های برطمطراق این روز شد. در فرانسه خانم ادیت کریسون بان نخست‌وزیر وقت به مناسبت روز جهانی زن خاطرنشان ساخت که: «جنگ مساوات پایان‌ناپذیر

دیده می‌شد که لباس پری دریایی به تن داشت. برگزاری روز جهانی زن در کشورهای مختلف جهان روز جهانی زن در کشورهای مختلف، با توجه به شرایط گوناگون این کشورها برگزار شد. در بعضی نقاط دنیا، به دلیل وجود درگیریهای سیاسی و شرایط خاص دیگر، این روز مانند سالهای گذشته جدی گرفته نشد. با وجود اینکه ۱۱۱ کشور عضو سازمان ملل متحد معاهده مربوط به الخای تبعیض در باره زنان را به تصویب رساندند، پطرس‌غالی دبیرکل این سازمان از شرایط نابسامان زنان در برابر قانون و واقعیتهای رایج در مقایسه با مردان ابراز ناخشنودی کرد. تمامی بحثها در اکثر نقاط جهان حول محور مشکل زنان در امر بیکاری، مسئله بارداری و خانواده متمرکز بود. به همین منظور در آلمان به ابتکار سندیکاها و جمعیتهای زنان

تظاهرات علیه یک نوع شراب

یکی از شراب‌فروشان نیوزلند شراب جدیدی ابداع کرده و نام «کوکتل ماهی طلایی» بر آن گذاشته است. این شراب در بطریهای مخصوص ریخته می‌شود که ماهیهای زنده قرمز رنگی در آن شنا می‌کنند.

شراب تاکیلای مکزیکی و شربت آبلیمو و چند عدد ماهی قرمز زنده از عناصر تشکیل دهنده کوکتل ماهی طلایی است. بهای هر بطری این کوکتل ۱۰ دلار نیوزلندی برابر با حدود ۳۰ فرانک فرانسه است. این ماجرا خشم طرفداران انجمن حمایت از حیوانات را برانگیخت و اعضای این انجمن که از یک ایستگاه رادیوی محلی نیز برخوردار است، روز چهارشنبه ۱۱ مارس در مقابل این مغازه شراب‌فروشی دست به تظاهرات اعتراض‌آمیز زدند. در میان تظاهرکنندگان یک زن عضو انجمن حمایت از حیوانات

موفقیت کودکان ایرانی در ژاپن

گروهی از کودکان و نوجوانان ایرانی در بیست‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی هنر کودکان یپون ژاپن، موفقیت چشمگیری به دست آوردند.

از میان ۲۰۰ نفر اعضای مرکز آفرینشهای هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که در این مسابقه شرکت کرده بودند، ۶ نفر برنده مدال طلا، ۱۵ نفر برنده مدال نقره و ۳۰ تن موفق به کسب مدال برنز شدند. این نمایشگاه که از سال ۱۹۷۰ میلادی، هر سال یکبار به منظور برقراری تفاهم بین‌المللی میان کودکان و نوجوانان کشورهای مختلف برپا می‌شود، امسال با حضور کودکان هنرمند ۶۸ کشور جهان برگزار گردید و راضیه بیات، یحیی حسین مردی، ته‌مین جان قربان، سام سیف نوریان، کاوه مهرابی و آتنا کلانتری، با ارائه تعدادی از آثار برتر این نمایشگاه موفق به دریافت مدال طلا شدند.

است. «وی اعلام کرد که تدابیری را نظیر لغو سهمیه‌بندی رسمی جذب زنان در سیستم پلیس این کشور و مبارزه با خشونت جنسی اتخاذ کرده است.

در الجزایر زنان این کشور که هر ساله مراسم باشکوهی به همین مناسبت ترتیب می‌دادند، امسال توجه چندانی به روز جهانی زن نکردند و کمتر مراسمی در این زمینه برگزار شد.

در مراکش یک جمعیت زنانه به نام «اتحادیهٔ یکبار زنان» با برپایی یک کنفرانس مطبوعاتی در روز شنبه، هفتم مارس و ارسال پیامی به مجلس این کشور خواهان ایجاد تئیراتی در قانون ثبت احوال شد.

در کشورهای حاشیهٔ جنوبی خلیج فارس به استثنای بحرین، هیچیک از کشورها مراسم روز جهانی زن را برگزار نکردند. در عراق با وجود تحریمهای بین‌المللی علیه این کشور، روز چهارشنبه ۱۱ مارس مراسم روز زن عراقی برپا شد.

در مسکو مراسم مربوط به روز جهانی زن را از برنامهٔ جشنهای رسمی روسیه که هر ساله از سوی سیستم کمونیستی سابق برگزار می‌شد، حذف کردند و فقط در برخی از مناطق مسکو صفهای طولی در مقابل گل‌فروشیها تشکیل شد.

در کشور چین، طبق برنامهٔ هر ساله، حدود سه هزار زن چینی در کاخ خلق این کشور تجمع کردند تا روز جهانی زن را جشن بگیرند. دولت چین طی بیانیهای به همین مناسبت اعلام کرد که این کشور همچنان از وجود تبعیض نسبت به زنان، فروش زنان و رهاکردن کودکان (دختر) رنج می‌برد.

لازم به یادآوری است که چین آمادگی خود را برای برپایی چهارمین کنگرهٔ جهانی زن در سال ۱۹۹۴ اعلام کرده است.

پاپ و روز جهانی زن

پاپ ژان پل دوم طی سخنانی در برابر جمع گسترده‌ای از دیدارکنندگان خود به مناسبت روز جهانی زن، ابراز امیدواری کرد که زنان به اهمیت نقش خود در سازندگی جامعه و کلیسا پی ببرند. وی از زنان جهان خواست مأموریت غیرعادی بارداری را که خداوند آن را به زن عطا کرده، به دیدهٔ تحسین نگریسته و انجام این وظیفهٔ مقدس را دنبال کنند.

پاپ همچنین از سازمانهای زنان در سراسر جهان خواست به فعالیتهای خود به منظور حفظ عزت و وظیفهٔ زن ادامه دهند.

این در حالی است که نماینده ۳۹۰ تن از کارکنان زن واتیکان، روز پنجشنبه ۵ مارس در مجمع عمومی سندیکای کارکنان واتیکان، بی‌تفاوتی و تعلل واتیکان را نسبت به اجرای اصول برابری میان زنان و مردان محکوم کرد.

زنان در دریافت خدمات درمانی بیماریهای قلبی، دچار تبعیض هستند

بر طبق تحقیقات انجام‌شده در دانشگاه هاروارد، محققین به این نتیجه رسیدند که زنان مبتلا به بیماریهای قلبی را کمتر مورد معاینه قرار می‌دهند، همچنین بیماران قلبی زن کمتر از بیماران قلبی مرد تحت عمل جراحی قلب قرار می‌گیرند.

جان‌آنیان، محقق و آرنولد ایشتاین استادیار دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه هاروارد معتقدند، در دورانی که بیماریهای قلبی نزد زنان رایجتر است و روز به روز از تعداد مردان مبتلا به بیماری قلبی کاسته شده به تعداد زنان بیمار قلبی افزوده می‌شود، ابزار و شیوه‌های

مناسب معاینه و مداوا به طور مساوی با مردان، در اختیار زنان قرار داده نمی‌شود. این دو نفر که از مسئولین بخش سیاست و مدیریت بهداشتی مدرسهٔ بهداشت عمومی دانشگاه هاروارد نیز می‌باشند در شمارهٔ ۲۵ ژوئیه ۹۱ مجله پزشکی نیویانگلند اظهار داشتند: «امکان دارد تفاوتیهای موجود در اکثر فرآیندهای تشخیصی و درمانی بازتابی باشد از کم‌کاری جامعه در مورد زنان و پرکاری در مورد مردان». طبق محاسبات این دو محقق، تبلیغاتی که برای آنژیوگرافی قلبی انجام شده است در ماساچوست ۲۸ درصد و در مریلند ۱۵ درصد برای مردان بیشتر بوده است تا زنان. تبلیغ برای جراحی قلب در این دو ایالت به ترتیب ۴۵ درصد و ۲۷ درصد برای مردان بیشتر از زنان انجام می‌گیرد.

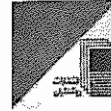
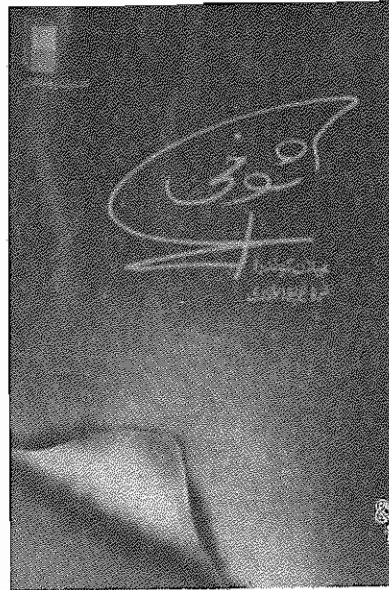
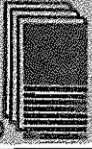
در همان شماره، در تحقیقات دیگری که توسط ۱۹ نفر از محققین دانشکده پزشکی دانشگاه هاروارد انجام شده گزارش شده است که به علایم بیماری قلبی نزد زنان کمتر از مردان اهمیت داده می‌شود. این تحقیقات شامل دو هزار و ۲۳۱ بیمار قلبی زن و مرد می‌شود که بین سالهای ۱۹۸۷ - ۱۹۸۹ به ۱۱۲ بیمارستان در امریکا و کانادا مراجعه کرده‌اند. این گزارش حاکی از آن است که زنان به اندازهٔ مردان دچار علایم جسمانی پیش از سکته قلبی می‌شوند، ضمن آنکه این علایم نزد ایشان با ضعف و سستی بیشتری همراه است. با این حال نیمی از زنان پس از مشاهدهٔ این علایم تحت معاینات تخصصی قرار می‌گیرند. تنها زمانی که سکتهٔ قلبی اتفاق می‌افتد، همهٔ آنها تحت معاینه و جراحی قرار می‌گیرند.

محققین یاد شده در ادامه گزارشات خود می‌نویسند: «جای تأسف است که زنان کمتر از مردان تحت فرآیندهای درمانی که منجر به کاهش علایم بیماری قلبی و افزایش ظرفیت عمل طبیعی قلب می‌شود، قرار می‌گیرند.»

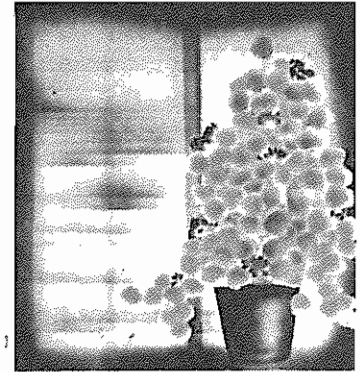
آنها نیز معتقدند که تشخیصهای تخصصی و فرآیندهای درمانی در مورد مردان به مراتب بیش از زنان مورد استفاده و تجربه قرار می‌گیرد. خانم بارنادین هیللی، مدیر مؤسسات ملی بهداشت که بخش عمدهٔ هزینه‌های مربوط به تحقیقات پزشکی در امریکا را سرمایه‌گذاری می‌کند، در مقالهٔ سردبیری که در همان شماره به چاپ رسید (مجله پزشکی نیویانگلند، شماره ۲۵ ژوئیه)، با صراحت بیشتری سخن گفته است: «دو گروه تحقیقات انجام‌شده شواهدی به دست می‌دهند که در بخش مدیریت بیماریهای شریانی قلب، تعصبات جنسی حاکم است.

طی سالهایی که تحقیقات پزشکی در انحصار جنس مذکر بود، این افسانه که بیماریهای قلبی شریانی، منحصراً یک بیماری مردانه است، شکل گرفت. براین مبنا، تحقیقات انجام‌شده گزارشهایی به دست می‌دادند که بر طبق آنها مردان به عنوان استانداردهای اصلی و معیاری، محسوب می‌شدند. قیاس کردن زنان بر اساس این دستاوردهای مردانه، در برخی موارد، استانداردهای تبعیض‌آمیزی را در زمینهٔ مراقبت از بیماران قلبی، به وجود آورده است و مانع از آن می‌شود که بسیاری از ابزار و روشهای مهم در بیماریهای قلبی شریانی، در اختیار زنان نیز قرار داده شود.





شهرت
برگزیده داستانهای
فلازری اوکانر



مترجم: آذر عالی پور

محشر صفرا

نوشته تادئوش کونویتسکی
ترجمه فروغ پوریاوری
انتشارات روشنگران
چاپ اول: بهار ۱۳۷۰
صفحه ۲۸۳

محشر صفرا دلنگی و آزردهگی روشنفر
است در قبال جهان توتالیترا!

شوخی

نوشته میلان کوندرا
ترجمه فروغ پوریاوری
انتشارات روشنگران
چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰
صفحه ۴۱۱

میلان کوندرا می‌نویسد: شوخی، یک داستان
عاشقانه است... دو تنی غم‌انگیز در باره
جدایی میان جسم و جان.

اما در واقع شوخی حکایت کینه مخربی
است که همه چیز را در هم می‌کوبد و نابود
می‌کند، حتی آنچه با حرارت به دست آمده
است.

شمعدانی [برگزیده داستانهای کوتاه]

نوشته فلازری اوکانر
ترجمه آذر عالی پور
انتشارات روشنگران
چاپ اول: زمستان ۱۳۷۰
صفحه ۲۱۹

داستانهای اوکانر راجع به خصلتها و
رفتارهای شگفت‌انگیز زندگی مردان و زنان
غیرعادی جامعه است.